

سنجش پایداری اجتماعی زنان روستایی شهرستان سنقر

مهندس مریم سالمی*

کارشناس ارشد توسعه روستایی

دکتر محمدرضا(فریبرز) همزه ای

استادیار دانشگاه رازی

دکتر علی اصغر میرک زاده

استادیار دانشگاه رازی

چکیده

در میان ابعاد توسعه پایداری، بعد اجتماعی یکی از ابعاد مهم است که جنبه‌های وسیع و عمده‌ای از توسعه پایداری را بر اساس تعریف موجود آن در بر می‌گیرد. در این راستا توجه به پایداری اجتماعی زنان روستایی در جهت روشن کردن وضعیت اجتماعی آنها در مسیر دستیابی به توسعه پایداری و تأکید بر نقش اجتماعی آنها در این مسیر، یک موضوع اساسی در توسعه پایداری روستایی به حساب می‌آید. پژوهش حاضر با رویکرد کمی با طی مراحل علمی همچون تدوین و طبقه‌بندی شاخص‌های پایداری اجتماعی زنان روستایی بر اساس رویکرد اندام‌وار و بررسی ادبیات موضوع، تدوین و تکمیل پرسشنامه و تعیین سطوح پایداری اجتماعی زنان روستایی دهستان‌های مختلف با استفاده از مدل موریس؛ سعی در بررسی وضعیت پایداری اجتماعی زنان روستایی شهرستان سنقر داشته است. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان روستایی ۱۵ الی ۶۰ ساله شهرستان سنقر (N=۲۱۵۳۰) بود. بر اساس نتایج به دست آمده، وضعیت اجتماعی زنان روستایی در هیچ کدام از ۸ دهستان شهرستان سنقر در سطح پایداری قرار نداشت. ۶ دهستان از ۸ دهستان در سطح نیمه‌پایدار و ۲ دهستان در سطح ناپایدار بر اساس وضعیت اجتماعی زنان روستایی جای گرفتند.

واژگان کلیدی

پایداری اجتماعی، رویکرد اندام‌وار، الگوی موریس، زنان روستایی، شهرستان سنقر

مقدمه

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)^۱ (۲۰۰۱)، که بر مسائلی مانند اشتغال، حفاظت جامعه در برابر پیامدهای مسائلی مانند تغییرات جمعیتی و ساختاری، مشارکت برابر در مواردی مانند تصمیم‌گیری‌ها در جامعه تمرکز دارد، توسعه پایدار را این‌گونه تعریف کرده است: حداکثرسازی میزان رفاه برای نسل حاضر بدون این که به کاهش رفاه نسل‌های آتی منجر شود (فیلیپس^۲، ۲۰۰۸). در جوامع انسانی، توسعه پایدار ابعاد مختلفی مانند ابعاد محیطی، مادی، زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی، قانونی، فرهنگی، سیاسی و روانشناختی دارد که همه این ابعاد نیاز به توجه دارند (بوسل^۳، ۱۹۹۹). با وجود این به طور کلی از منظر مشخصه‌های مهم یک نظام پایدار، سه بعد پایداری شامل بعد اجتماعی، بعد اقتصادی و بعد زیست محیطی است. که بعد اجتماعی پایداری منعکس کننده توسعه انسانی است به معنی پیشرفت به این سمت که همه افراد جامعه قادر شوند نیازهای ضروری خود را برآورده کنند: دست یافتن به یک سطح منطقی از آرامش، داشتن یک زندگی معنادار و هدفمند و با علاقه زندگی کردن، دسترسی به فرصت‌های برابر و عادلانه در بهداشت و آموزش برای همه. بنابراین، توسعه انسانی یک هدف نهایی به حساب می‌آید به طوری که دیگر جنبه‌های مهم مانند توسعه اقتصادی وسیله محسوب می‌شوند (آسفا و فروستل^۴، ۲۰۰۷).

خط مشی توسعه پایدار اجتماعی به دنبال قضاوت در این زمینه است که کدام یک از جنبه‌های اجتماعی می‌تواند و می‌باید پایدار بماند و حفظ شود و کدام جنبه‌ها می‌توانند یا ناگزیر هستند که تغییر یابند. به عنوان مثال توسعه پایدار اجتماعی در این زمینه بحث می‌کند که در یک جامعه متمدن، تک تک افراد حقوق پایه‌ای دارند که آزاد بودن از هر نوع اجبار و خشونت، وجود یک جامعه مردم‌سالار، وجود فرصت‌های برابر آموزشی و برابری همه اعضای جامعه را شامل است (اوزبرگ^۵، ۱۹۹۲). پژوهش‌های صاحب‌نظران اجتماعی نشان از آن دارد که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از عرصه‌های

-
1. Organization for Economic Cooperation and Development
 2. Philips
 3. Bossel
 4. Assefa & Frostell
 5. Osberg



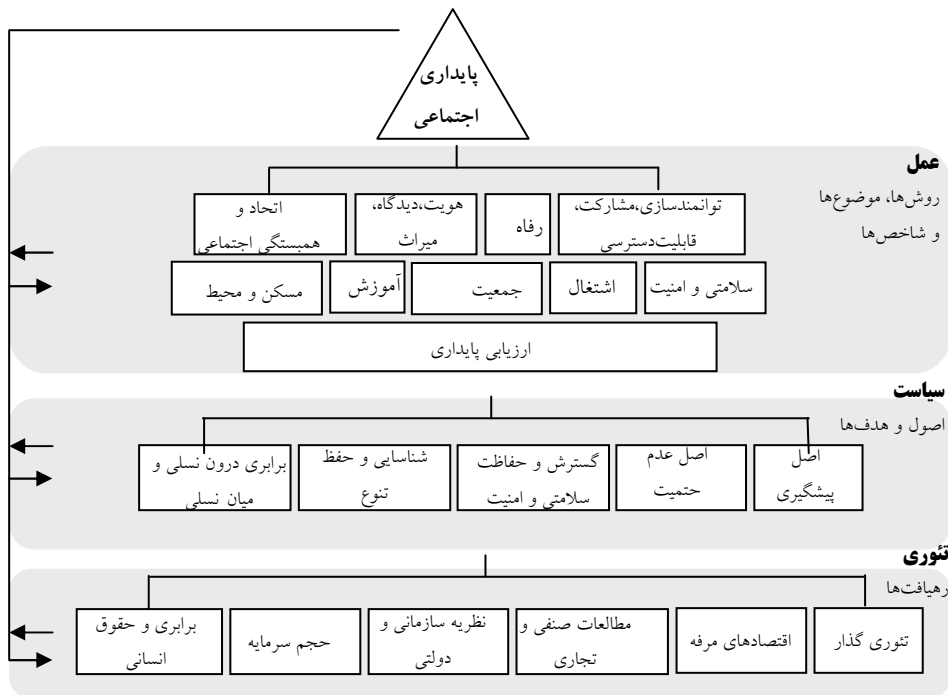
خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست، اما مطالعات اخیر نشان می‌دهد که متأسفانه در بسیاری از برنامه‌های توسعه، نقش اساسی و تعیین‌کننده زنان به فراموشی سپرده شده است و این خود فقدان موفقیت بسیاری از برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه را، به ویژه در مناطق روستایی جهان باعث شده است (صفری شالی، ۱۳۸۷). بنابر پژوهش‌های فائو، بیش از ۷۵ درصد از جمعیت فقیرترین کشورهای جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. این در حالی است که ۷۰ درصد از جمعیت فقیر جهان را زنان تشکیل می‌دهند و در مجموع سه چهارم مرگ و میر ناشی از فقر مالی و غذایی متوجه زنان و دختران است (الوانی و ضرغامی فرد، ۱۳۸۰).

در فرایند توسعه پایدار، در مواردی استیلای شاخص‌های ناپایداری در فضای روستایی باعث شده است که زنان به‌رغم گستردگی مشارکت خود در فعالیت‌های روزانه، همواره به عنوان اقشاری آسیب‌پذیر، در تله‌ای از محرومیت شامل بی‌قدرتی، ضعف جسمانی و فقر گرفتار آیند، محرومیتی که بالطبع جایگاه اجتماعی آن‌ها را به شدت تنزل بخشیده است (نوری و غفاری، ۱۳۸۵).

این مهم را باید همواره به خاطر داشت که زمانی می‌توان بر اهمیت توسعه یافتگی زنان به ویژه زنان روستایی صحنه گذارد و برای آن برنامه‌ریزی کرد که زنان را از چارچوب باورهای نادرست عامیانه، که عموماً توسط جامعه‌ای مردسالار بر ایشان تحمیل شده، بیرون آورد و با خارج کردن آنها از حصار روزمره گی و دارا بودن نقش‌های کلیشه‌ای، آنها را وارد اجتماع کرد و با سپردن نقش‌های ویژه و کلیدی به ایشان، احساس مفید بودن را در آنها پررنگ کرد. در این صورت است که زنان درخواهند یافت که جایگاه واقعی آنها فراتر از باورهای نخبه‌شده موجود درباره آنهاست و با اتکاء به توانایی‌های خود، در مسیر توسعه فردی و اجتماعی مؤثرتر ظاهر خواهند شد. لذا با ارزیابی پایداری اجتماعی در زنان می‌توان در جهت روشن شدن وضعیت اجتماعی فعلی زنان روستایی و حرکت به سمت جایگاه واقعی آنها گام برداشت. بر این اساس مهم‌ترین اهداف این پژوهش تدوین شاخص‌های پایداری اجتماعی زنان روستایی و تعیین وضعیت کنونی پایداری اجتماعی زنان روستایی شهرستان سنقر استان کرمانشاه بوده است. این مقاله همچنین درصدد پاسخگویی به این پرسش بوده است که وضعیت زنان روستایی شهرستان سنقر در حال حاضر از لحاظ میزان پایداری اجتماعی چگونه است؟

مبانی نظری

پیچیدگی مفهوم توسعه و پایداری به طور کلی و پیچیدگی مفهوم پایداری اجتماعی به طور اخص کار ارزیابی توسعه پایدار و پایداری اجتماعی را مشکل کرده است چرا که به قول لیون دال "پیچیدگی نظام‌های بشری تعیین معیارهای پایداری را بسیار مشکل می‌سازد" (لیون دال، ۱۹۹۹: ۸۶). مطالعات متعددی به ارزیابی توسعه پایدار به طور کلی اقدام و سه بعد اصلی توسعه پایدار را به طور همزمان مطالعه کرده‌اند، ولی کمتر مطالعه‌ای را می‌توان یافت که به بعد پایداری اجتماعی به طور ویژه توجه کرده و ابعاد آن را ارزیابی کرده باشد. به ارزیابی پایداری اجتماعی می‌توان از سه بعد توجه کرد. ارزیابی پایداری اجتماعی از بعد عملی که به استفاده از روش‌ها و شاخص‌های مرتبط و در راستای پایداری اقدام می‌کند؛ بدین معنا که در پی بررسی پایداری فعالیت‌ها و کنش‌های انسانی است که موضوعات مختلفی را در بر می‌گیرد. در این بعد ارزیابی پایداری روش‌ها، موضوعات و شاخص‌هایی نظیر توانمندسازی افراد جامعه، مشارکت، قابلیت دسترسی، رفاه، اشتغال، سلامتی، امنیت و سایر شاخص‌هایی مدنظر است که استانداردهای زندگی را تعیین می‌کنند. بعد دوم مربوط به ارزیابی پایداری سیاست‌ها است و بر اساس اصول و اهداف ارزیابی می‌کند بدین صورت که آیا این اصول و اهداف متناسب با مقوله پایداری و در راستای آن هستند؟ ارزیابی این بعد با هدف متمایل شدن اصول و اهداف به سمت پایداری انجام می‌شود محورهایی که توجه نکردن به پایداری آنها پایداری بعد عمل را به چالش می‌کشد و نهادهای اجرایی متولی را با مشکل مواجه می‌کند و به عبارتی پایداری اصول توسعه پایدار را ارزیابی می‌کند. در بعد سوم ارزیابی پایداری اجتماعی تئوری‌ها و رهیافت‌ها ارزیابی شده و این موضوع بررسی می‌شود که آیا تئوری‌ها، نظریه‌ها و رهیافت‌ها بر مبنای اصول پایداری تدوین شده‌اند؟ در پژوهش حاضر پایداری اجتماعی از بعد عملی ارزیابی شده. در شکل ۱ تصویری از چارچوب ارزیابی پایداری اجتماعی براساس ابعاد بیان شده در فوق ارائه شده است. در بررسی‌های ارزیابی توسعه پایدار در بعد اجتماعی بیشتر ارزیابی سطح عمل (در شکل ۱) مطرح است.



* شکل ۱: چارچوب ارزیابی پایداری اجتماعی (Colantonio, 2009).

روش‌های ارزیابی پایداری

در حال حاضر روش‌های متعددی برای ارزیابی پایداری وجود دارد که در عمده این روش‌ها چارچوبی به منظور تدوین شاخص‌ها ارائه شده است. این موضوع دلیل آن است که بدون شاخص نمی‌توان در این زمینه اقدام کرد (افتخاری و آقایی، ۱۳۸۶). افزون بر این «با توجه به وسعت موضوع، تدوین رهیافت‌های جامع برای سنجش پیشرفت در کاربرد شاخص‌ها به چالشی جالب توجه تبدیل شده است. در حال حاضر روش‌های زیادی ابداع شده است که به جنبه‌های متفاوتی از توسعه و پایداری اشاره دارند و اغلب تکمیل‌کننده یکدیگر هستند. بعضی اعتقاد دارند که باید ابعاد پایداری در یک تصویر کلی کنار هم قرار گیرند. بعضی دیگر هم به تبادل نظر درباره پایداری با استفاده از شاخص‌ها می‌پردازند.» (لیون

دال، ۱۹۹۹: ۸۳). باسل در سال ۱۹۹۹، پنج روش را برای ارزیابی پایداری ارائه داده که یک تقسیم‌بندی خوب و نسبتاً جامع بوده است که در طراحی شاخص‌های پایداری کاربرد مناسبی دارد. این روش‌ها عبارتند از:

۱. «اثر اکولوژیکی^۱
۲. فشارسنج یا بارومتر پایداری^۲
۳. انتخاب شاخص‌ها بر اساس آزمون و خطا^۳
۴. چارچوب فشار- وضعیت موجود- واکنش^۴
۵. رویکرد اندام‌وار یا نظام‌مند^۵ (باسل، ۱۹۹۹: ۱۳).

در این پژوهش با توجه به این که رویکرد اندام‌وار یک چارچوب نسبتاً جامع برای طراحی شاخص‌ها ارائه می‌کند؛ از این رویکرد بهره گرفته شده است.

رویکرد اندام‌وار

در این رویکرد ۷ ویژگی به عنوان ویژگی‌های نظام‌های پایدار مطرح شده است که عبارتند از: ۱- زندگی (موجودیت/حیات)؛ ۲- اثربخشی (کارایی)؛ ۳- آزادی عمل (تنوع)؛ ۴- امنیت؛ ۵- قابلیت سازگاری؛ ۶- همزیستی؛ ۷- نیازهای روانشناختی (باسل، ۱۹۹۹: ۴۴).

از این ویژگی‌ها می‌توان به عنوان نیازهای پایه نظام استفاده کرد. برای سنجش میزان پایداری یک نظام لازم است مشخص شود که وضعیت رضایت‌مندی هر کدام از ویژگی‌های نظام برای دستیابی به پایداری چگونه است. به عبارت دیگر اگر نظام از نظر ویژگی‌های اساسی در سطح رضایت‌مندی قرار داشته باشد آن نظام پایدار تلقی می‌شود.

در رهیافت باسل، شاخص‌های پایداری سیستم بر اساس توانایی آن‌ها در پاسخ به مجموعه‌ای از سؤال‌های مرتبط با ویژگی‌های نظام‌های پایدار، انتخاب می‌شوند. «این مجموعه از سؤال‌های ویژه، تمام دیدگاه‌های ضروری پایداری و توسعه پایدار را پوشش می‌دهند. در نتیجه یک مجموعه

-
1. Ecological Footprint
 2. Barometer of Sustainability
 3. Ad hoc or trial-and-error selection of indicators
 4. Pressure-state-response framework
 5. Systems Approach

روش پژوهش

رویکرد کلی این پژوهش کمی و از نوع توصیفی - پیمایشی بود که در دو بخش مطالعات اسنادی و میدانی انجام شد. برای دسترسی به اطلاعات میدانی از ابزار پرسشنامه استفاده شد. دو پرسشنامه این پژوهش بر اساس ۶۶ شاخص مختلف طراحی شدند که بر اساس رویکرد نظام‌مند یا اندام‌وار به دست آمدند. با توجه به هدف‌های پژوهش در مرحله میدانی دو نوع داده جمع‌آوری شد. بخشی از داده‌ها به صورت داده‌های اولیه با استفاده از پرسشنامه‌ای جمع‌آوری شد که در اختیار جامعه آماری پژوهش قرار گرفته بود و بخش دیگر اطلاعات از نوع داده‌های ثانویه بود، که در قالب پرسشنامه دیگری که به عنوان پرسشنامه عمومی دهستان طراحی شد و داده‌های آن از آمارهای موجود در وزارتخانه و ادارات مربوط (سازمان جهادکشاورزی شهرستان، اداره آموزش و پرورش شهرستان، نهضت سوادآموزی شهرستان، اداره بهزیستی شهرستان، کمیته امداد شهرستان، اداره تربیت بدنی شهرستان، مرکز بهداشت شهرستان، فرمانداری شهرستان و مرکز آمار ایران) جمع‌آوری شد.

جامعه آماری این پژوهش «کلیه زنان روستایی ۱۵ تا ۶۰ سال شهرستان سنقر» را شامل می‌شد که این جمعیت در ۸ دهستان مستقر بودند و تعداد آن‌ها ۲۱۵۳۰ نفر بود. در این پژوهش به دلیل این که جامعه آماری در ۸ دهستان شهرستان پراکنده شده‌اند از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و چون از واریانس طبقه‌ها اطلاعی در دسترس نیست از انتساب متناسب^۱ در تعیین حجم نمونه (n) استفاده شد. (سرمد و همکاران، ۱۳۷۷). در جدول ۲ توزیع جامعه آماری و نمونه متناسب با آن در طبقه‌های مختلف گزارش شد. از آنجا که در این پژوهش واحد تحلیل دهستان‌های منطقه مورد مطالعه بود اطلاعات به دست آمده از زنان هر دهستان به سایر شاخص‌های توسعه اجتماعی همان دهستان اضافه و تحلیل شد.



جدول ۲: توزیع جامعه آماری و نمونه متناسب با آن در طبقه‌های مختلف

نام دهستان	حجم جامعه در هر طبقه	تعداد نمونه در هر طبقه
سراب	۲۲۸۰	۳۹
گاورود	۳۳۲۴	۵۹
پارسینه	۲۲۴۸	۳۷
آب باریک	۲۵۱۲	۴۳
آگاهان	۲۷۵۵	۴۷
سطر	۳۰۵۶	۵۲
باوله	۳۵۱۹	۶۱
کیونانات	۱۸۳۸	۳۲
جمع	۲۱۵۳۲	۳۷۰

فنون مورد استفاده در سنجش پایداری اجتماعی جامعه مورد مطالعه

از آن جا که در این پژوهش، با توجه به ضعف ادبیات پایداری اجتماعی زنان روستایی، یکی از هدف‌های اصلی تدوین شاخص‌های مناسب برای ارزیابی پایداری اجتماعی زنان روستایی بود، از فن شاخص‌سازی استفاده شد و برای ارزیابی میزان توسعه یافتگی اجتماعی زنان روستایی منطقه مدل موریس به کار گرفته شده که در ادامه آنها شرح داده شد.

فن شاخص‌سازی

در این پژوهش با توجه به ضعف متغیرها به عنوان یک مبنای مناسب برای ارزیابی پایداری اجتماعی و استفاده صحیح از این متغیرها از فن شاخص‌سازی استفاده شد. که طی مراحل مختلف را بدین ترتیب شامل بود:

- تعیین متغیرهای پژوهش با استفاده از ادبیات پژوهش؛ - تبدیل متغیرها به شاخص با استفاده از تقسیم آن‌ها به یک مخرج مناسب؛ - اعتبارسنجی شاخص‌ها (مناسب بودن شاخص‌ها برای اندازه‌گیری پایداری اجتماعی، حذف شاخص‌های نامناسب، اضافه کردن شاخص‌های مناسب با استفاده از نظر متخصصان)؛ - تبدیل شاخص‌های منفی به مثبت (هم

جهت سازی شاخص‌ها؛ - استفاده از روش تقسیم بر میانگین برای رفع اختلاف مقیاس از شاخص‌ها؛ - تعیین میزان اهمیت شاخص‌ها با اعمال وزن به آن‌ها با روش مک گراناها^۱.

مدل موریس

برنامه عمران سازمان ملل^۲ (UNDP)، الگویی برای درجه‌بندی نواحی از لحاظ توسعه‌یافتگی به کار برده شده که هم جدیدترین الگوی رسمی استفاده شده در سطح جهانی بوده و هم با قابلیت گسترش و جایگزینی آن در فضاهای مورد برنامه‌ریزی با مقیاس‌های مختلف و متنوع، قابل اجرا است. این الگو به مدل موریس معروف است. مدل موریس با استفاده از اطلاعات در دسترس برای هر واحد سکونتگاهی، جایگاه توسعه‌یافتگی هر یک از واحدها را بر حسب شاخص‌های انتخابی مشخص می‌کند و در نهایت میانگین مجموعه شاخص‌ها را با استفاده از روش تحلیل شاخص توسعه به گونه‌ای ساده ولیکن درخور توجه، تعیین کرده و سپس سکونتگاه‌ها را رتبه‌بندی می‌کند (بدری و همکاران، ۱۳۸۵). نحوه محاسبه این شاخص به صورت ذیل است:

$$y_{ij} = \text{شاخص ناموزون برای متغیر } i \text{ ام در واحد } j \text{ ام}$$

$$X_{ij} = \text{متغیر } i \text{ ام در واحد } j \text{ ام}$$

$$X_{ij} \min = \text{حداقل مقدار متغیر } i \text{ ام}$$

$$X_{ij} \max = \text{حداکثر مقدار متغیر } i \text{ ام}$$

$$y_{ij} = \frac{X_{ij} - X_{ij} \min}{X_{ij} \max - X_{ij} \min}$$

نکته مهم در این مدل این است که شاخص‌های به کار گرفته شده می‌باید همسو یا هم جهت باشند. در این پژوهش در فرایند شاخص‌سازی به وسیله عمل معکوس کردن کلیه شاخص‌های منفی به شاخص‌های مثبت تبدیل شده و هم‌جهت شدند. برای رتبه‌بندی دهستان‌های منطقه مورد مطالعه، تمام شاخص‌های مورد نظر در قالب فرمول یاد شده به کار گرفته شده و در نهایت برای پیدا کردن شاخص اصلی توسعه مورد نظر برای هر واحد،

1. Mc Granahan Method
2. United Nation Development Program



ضریب توسعه‌یافتگی با استفاده از رابطه‌ی ذیل محاسبه شد:

$$D.I. = \frac{\sum_{i=1}^n y_{ij}}{n} \quad n = \text{تعداد شاخص‌های مورد مطالعه}$$

$D.I.$ = شاخص اصلی توسعه‌ی هر واحد

مقدار ضریب شاخص توسعه‌ی موريس بين صفر تا يك متغير است؛ هر چه مقدار $D.I.$ بیشتر باشد، نشان دهنده سطح توسعه‌یافتگی بالاتر و هر چه مقدار آن کمتر باشد نشان دهنده سطح توسعه‌یافتگی کمتر است (رضوانی، ۱۳۸۳). در این رابطه بر اساس مدل موريس مناطقی که از ضریب توسعه‌یافتگی بیشتر از ۰/۶ برخوردارند جزء مناطق توسعه‌یافته (پایدار) محسوب می‌شوند و مناطقی که ضریب برخورداری آن‌ها ۰/۶-۰/۴۵ است در گروه مناطق در حال توسعه (نیمه پایدار) قرار دارند و مناطقی با ضریب برخورداری کمتر از ۰/۴۵، مناطق کمتر توسعه‌یافته (ناپایدار) هستند (بدری و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۴).

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان سنقر کلیایی، بیش از ۲۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت و قریب به ۱۳۰ هزار هکتار اراضی دیم و آبی مستعد کشاورزی دارد. این شهرستان در ۸۵ کیلومتری شمال شرقی استان کرمانشاه در طول ۴۷ درجه و ۳۶ دقیقه شرقی و عرض ۳۴ درجه و ۴۶/۵ دقیقه شمالی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۷۰۰ متر است. شهرستان سنقر از شمال به شهرستان قروه، از جنوب به شهرستان صحنه، از غرب به شهرستان کامیاران و از شرق به شهرستان اسدآباد منتهی شده است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، این شهرستان دارای جمعیتی معادل ۹۵۸۶۳ نفر بوده است که از این تعداد ۴۴۴۴۰ نفر شهرنشین و ۵۱۴۲۳ نفر روستانشین بوده‌اند. در این سرشماری جمعیت زنان روستایی شهرستان ۲۶۲۵۰ نفر و مردان روستایی ۲۵۱۷۳ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). این شهرستان دارای دو بخش مرکزی و کلیایی، ۸ دهستان به نام‌های آگاهان، پارسینه، آب‌باریک، سراب، کیونانات، سطر، گاورد و باوله با ۲۱۶ روستای دارای سکنه است.

شاخص‌های پژوهش

همان‌گونه که ذکر شد یکی از اهداف این پژوهش طراحی و تدوین شاخص‌هایی برای سنجش پایداری اجتماعی بود که این شاخص‌ها بر اساس رویکرد اندام‌وار و با در نظر گرفتن فرایند شاخص‌سازی تدوین و طبقه‌بندی شدند که در جدول ۳ این شاخص‌ها و وزن محاسبه شده و اعمال شده برای آن‌ها و مقدار حداقل و حداکثر هر شاخص در منطقه مورد مطالعه گزارش شده است. شاخص‌ها بر اساس رویکرد اندام‌وار و در برگینده ۹ بعد پایداری اجتماعی زنان روستایی است.

جدول ۳: شاخص‌های پژوهش به دست آمده بر اساس رویکرد اندام‌وار، وزن‌های اعمال شده بر آن‌ها و مقدار حداقل و حداکثر شاخص

ردیف	شاخص	وزن شاخص	حداکثر	حداقل
۱	درصد زنانی که به آینده امید دارند.	۰/۳۲	۹۰	۴۷/۱
۲	درصد زنانی که به رسانه‌های همگانی (روزنامه، مجله، رادیو و تلویزیون) دسترسی دارند.	۰/۳۲	۷۶/۴	۲۴
۳	تعداد ماما به ازای هر ۱۰۰۰ نفر زن روستایی.	۰/۴۱	۰/۴۱	۰
۴	معکوس درصد زنان مبتلا به بیماری‌های خاص.	۰/۳۳	۱۰۰	۸۵
۵	تعداد بهورز به ازای هر ۱۰۰۰ نفر زن روستایی.	۰/۴۳	۵/۸	۲/۷
۶	تعداد پزشک عمومی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر زن روستایی.	۰/۳۷	۰/۴۱	۰/۳
۷	درصد تعداد کلاس‌های آموزشی برگزار شده در زمینه بهداشت به تعداد کل کلاس‌های آموزشی برگزار شده در یک سال.	۰/۳۵	۹۹	۹۱/۷
۸	تعداد کلاس‌های آموزشی برگزار شده در زمینه بهداشت به ازای هر ۱۰۰ نفر زن روستایی.	۰/۳	۴	۰/۷۵
۹	تعداد خانه‌های بهداشت روستایی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر زن روستایی.	۰/۴۱	۴	۱/۵
۱۰	متوسط امید به زندگی.	۰/۳۹	۶۷	۵۵/۵
۱۱	درصد زنانی که در دوران بارداری خود تحت مراقبت پزشک بوده‌اند.	۰/۴۱	۵۷/۲	۱۱/۲
۱۲	درصد زنانی که با مراقبت‌های بارداری و برنامه‌های تنظیم خانواده آشنایی دارند.	۰/۴۲	۵۰	۱۰
۱۳	درصد زنانی که در مواقع لزوم به پزشک دسترسی دارند.	۰/۳۶	۸۵	۳۶



ردیف	شاخص	وزن شاخص	حداکثر	حداقل
۱۴	درصد زنانی که در مواقع لزوم به پزشک متخصص زنان دسترسی دارند.	۰/۳۶	۵۶/۳	۱۳/۶
۱۵	درصد زنانی که ورزش می‌کنند.	۰/۳	۱۹	۳
۱۶	درصد زنانی که از نظر روحی و روانی در آرامش هستند.	۰/۳۴	۷۶/۷	۴۰/۶
۱۷	درصد زنانی که احساس می‌کنند در زندگی مفید هستند.	۰/۵	۷۰	۳۷
۱۸	درصد زنان که کاملاً به خود متکی هستند و به توانایی خود اعتقاد دارند.	۰/۴۹	۹۰	۵۰/۷
۱۹	درصد زنانی که به نوعی برای آینده خود برنامه یا مسیر مشخصی دارند.	۰/۳۱	۵۴/۲	۱۲/۱
۲۰	درصد زنانی که اعتقاد دارند وجود شرایط و امکانات مناسب موجب شکوفا شدن توانایی‌ها و استعدادها بالقوه آنان شده است.	۰/۴۵	۵۵	۵/۹
۲۱	معکوس درصد زنانی که با هیچ‌یک از گرایش‌های سیاسی موجود در حکومت آشنایی ندارند.	۰/۳۸	۵۰	۱۸/۲
۲۲	درصد زنانی که دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند.	۰/۳۶	۴/۳	۰
۲۳	درصد ثبت نام دختران در دبیرستان به کل دختران با امکان تحصیل در این مقطع.	۰/۴۵	۷/۴	۱/۸
۲۴	درصد زنان باسواد روستایی نسبت به کل زنان روستایی.	۰/۵۱	۶۱/۶	۵۰
۲۵	درصد زنان روستایی بی‌سواد نسبت به کل زنان روستایی.	۰/۴۴	۵۰	۳۸/۴
۲۶	درصد زنان باسواد به مردان باسواد روستایی.	۰/۵۱	۷۱	۶۲
۲۷	تعداد کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی (ترویجی و حرفه آموزشی) برگزار شده به ازای هر ۱۰۰۰ نفر زن روستایی.	۰/۳۷	۲	۰/۰۴
۲۸	تعداد مدارس راهنمایی موجود به ازای هر ۱۰۰ نفر دختر با امکان تحصیل در این مقطع.	۰/۴۴	۲/۸۳	۰/۴۶
۲۹	تعداد دبیرستان‌های موجود به ازای هر ۱۰۰ نفر دختر با امکان تحصیل در این مقطع.	۰/۵	۰/۳۳	۰
۳۰	درصد زنان تأثیرگذار در مدیریت خانه و خانواده.	۰/۲۹	۱۰۰	۷۰/۷
۳۱	درصد زنانی که اظهار می‌کنند از توانایی‌های خود استفاده می‌کنند.	۰/۳۹	۷۰	۲۹/۴
۳۲	میانگین ساعات مطالعه زنان روستایی باسواد.	۰/۳۲	۱/۵	۰/۲۲
۳۳	درصد زنانی که کار کشاورزی و دامداری انجام می‌دهند.	۰/۲۹	۷۳	۵۲/۹
۳۴	درصد زنان علاقمند به مطالعه.	۰/۴۶	۸۴/۴	۵۲/۲
۳۵	درصد زنان روستایی دارای عنوان در مسابقات ورزشی در سطح شهرستان، استان و کشور.	۰/۳۶	۰/۱	۰
۳۶	درصد زنان کارآفرین.	۰/۳۳	۰/۱	۰
۳۷	درصد زنان کشاورز نمونه.	۰/۳۷	۰/۰۷	۰
۳۸	درصد زنان دارای درآمدی که در مورد درآمد خود اختیار دارند.	۰/۴۸	۱۰۰	۰

ردیف	شاخص	وزن شاخص	حداکثر	حداقل
۳۹	درصد زنانی که به میل خود در کار کشاورزی و تولیدی شرکت می‌کنند.	۰/۴۲	۹۰/۹	۵۳/۳
۴۰	معکوس درصد زنانی که بر خلاف میل خود مجبور به انجام کاری شده‌اند.	۰/۳۶	۸۲/۸	۵۲/۴
۴۱	معکوس درصد زنانی که احساس می‌کنند در زندگی زناشویی خود تحت سلطه مردان هستند.	۰/۳۵	۶۰	۲۴/۱
۴۲	معکوس درصد زنانی که ترجیح می‌دهند برای داشتن آزادی‌های شخصی جای دیگران زندگی کنند.	۰/۵۳	۹۴/۵	۵۲/۹
۴۳	درصد زنانی که دارای حساب پس‌انداز مستقلی برای خود هستند.	۰/۴۷	۴۵/۹	۱۶/۷
۴۴	درصد زنانی که تحت پوشش بیمه هستند	۰/۳۹	۳۰	۱۶/۷
۴۵	معکوس درصد زنانی که تحت پوشش نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد و بهزیستی هستند.	۰/۴۱	۱۰۰	۹۳/۶
۴۶	درصد زنانی که برای کار در مزرعه خانوادگی مزد دریافت می‌کنند.	۰/۳۳	۴۴/۸	۹/۱
۴۷	معکوس درصد زنانی که زندگی مشترک آن‌ها به طلاق انجامیده است.	۰/۴۳	۹۹/۹۷	۹۹/۷۵
۴۸	معکوس درصد زنان بدسرپرست و بی‌سرپرست.	۰/۳۶	۹۹/۰۳	۹۸/۰۸
۴۹	درصد زنان روستایی که به محل زندگی خود تعلق خاطر دارند.	۰/۶۹	۷۳/۳	۵۴
۵۰	درصد زنان روستایی که امکان مشاوره در زمینه مشکلات زندگی خود را دارند.	۰/۶۹	۲۷	۰
۵۱	معکوس درصد زنانی که احساس می‌کنند به خاطر جنسیت زنانه از امکانات و خدمات محروم می‌باشند.	۰/۳	۴۵/۸	۶/۷
۵۲	معکوس درصد زنانی که به دلیل جنسیت خود مجبور به ترک تحصیل شده‌اند.	۰/۵۱	۳۸/۹	۰
۵۳	معکوس درصد زنانی که اعتقاد دارند در مقابل مردان مورد تبعیض جنسیتی واقع می‌شوند.	۰/۴۹	۸۰	۴۳/۱
۵۴	درصد زنانی که عقیده دارند به لحاظ جنسیتی باید با مردان برابر باشند.	۰/۵۳	۹۰	۵۲/۹
۵۵	معکوس درصد زنانی که اعتقاد دارند مشکلات آنان از بی‌کفایتی و کمبودهای شخصی زنان ناشی می‌شود نه از سیستم اجتماعی موجود.	۰/۵	۹۰/۵	۸۳/۳
۵۶	درصد زنان روستایی که تمایل دارند در جامعه خود دارای مسئولیت باشند و در زندگی اجتماعی ایفای نقش کنند.	۰/۴۲	۹۱/۸	۷۰/۶
۵۷	درصد زنانی که در زندگی احساس خوشبختی می‌کنند.	۰/۶	۷۰	۲۳/۵
۵۸	درصد زنان شاغل و رضایت‌مند از شغل خود به کل زنان شاغل روستا.	۰/۷۱	۸۵	۴۲/۴
۵۹	درصد زنانی که با رضایت خود ازدواج کرده‌اند.	۰/۵	۱۰۰	۶۹/۲
۶۰	درصد زنانی که از ترک تحصیل اجباری خود رضایت دارند.	۰/۵۳	۲۰	۰



ردیف	شاخص	وزن شاخص	حداکثر	حداقل
۶۱	درصد زنانی که از دیدگاه جامعه نسبت به زنان رضایت دارند.	۰/۴۳	۸۶/۲	۳۴/۳
۶۲	درصد شرکت زنان روستایی در کلاس‌های آموزشی - ترویجی و حرفه‌آموزی مختلف.	۰/۵۶	۵۶	۸/۱
۶۳	درصد زنانی که به حقوق خانواده آگاهی دارند.	۰/۳۶	۳۰/۶	۳
۶۴	درصد زنانی که عضو صندوق اعتبارات خرد روستایی هستند.	۰/۳۹	۱/۹۲	۰
۶۵	درصد زنانی که سن ازدواج آن‌ها نزدیک به سن میانگین جامعه است.	۰/۴	۲۸/۶	۶/۲۵
۶۶	معکوس درصد زنانی که احساس می‌کنند به دلیل ارتباط نداشتن با هیچ گروه یا سازمانی از جامعه دور افتاده‌اند.	۰/۴۱	۴۵/۸	۲۵

یافته‌های پژوهش

الف) رتبه‌بندی کلی دهستان‌ها از نظر میزان توسعه‌یافتگی در زمینه پایداری اجتماعی در میان زنان روستایی

به منظور دستیابی به یک رتبه‌بندی جامع از وضعیت پایداری اجتماعی هر هشت دهستان منطقه مورد مطالعه، با استفاده از مدل مورس ضریب توسعه‌یافتگی نهایی هر دهستان محاسبه شد که در جدول ۴ گزارش شده است. با تعیین ضریب توسعه‌یافتگی نهایی امکان رتبه‌بندی دهستان‌ها بر اساس میزان برخورداری زنان روستایی از پایداری اجتماعی فراهم شد. نتایج حاصل از رتبه‌بندی دهستان‌های شهرستان سنقر بر اساس ضریب توسعه‌یافتگی و به تفکیک هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه، نشان داده است که در زمینه شاخص‌های پایداری اجتماعی، دهستان پارسینه بالاترین ضریب توسعه‌یافتگی و دهستان آب‌باریک کمترین ضریب توسعه‌یافتگی را داشته‌اند. رتبه هر هشت دهستان مطالعه شده بر اساس ضریب توسعه‌یافتگی اجتماعی در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴: ضریب و رتبه توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان سنقر از نظر شاخص‌های پایداری اجتماعی زنان روستایی

رتبه	ضریب جهانی توسعه‌یافتگی	همزیستی		رضایت‌مندی		مسئولیت‌پذیری		برابری		قابلیت‌سازی		امثیت		آزادی‌عمل		اثربخشی		موجودیت		
		دهستان	ضریب توسعه‌یافتگی	دهستان	ضریب توسعه‌یافتگی	دهستان	ضریب توسعه‌یافتگی	دهستان	ضریب توسعه‌یافتگی	دهستان	ضریب توسعه‌یافتگی	دهستان	ضریب توسعه‌یافتگی	دهستان	ضریب توسعه‌یافتگی	دهستان	ضریب توسعه‌یافتگی	دهستان	ضریب توسعه‌یافتگی	دهستان
۴	۰/۵۲	آگاهان	۰/۴۵	آگاهان	۰/۶۴	آگاهان	۰/۴۴	آگاهان	۰/۵۱	آگاهان	۰/۵۶	آگاهان	۰/۳	آگاهان	۰/۷۷	آگاهان	۰/۳۷	آگاهان	۰/۶۴	آگاهان
۸	۰/۳۱	آب‌باریک	۰/۲۷	آب‌باریک	۰/۲۶	آب‌باریک	۰	آب‌باریک	۰/۵۳	آب‌باریک	۰/۲۲	آب‌باریک	۰/۳۸	آب‌باریک	۰/۳۶	آب‌باریک	۰/۳	آب‌باریک	۰/۵۱	آب‌باریک
۱	۰/۵۹	پارسینه	۰/۱۹	پارسینه	۰/۴۸	پارسینه	۱	پارسینه	۰/۷۹	پارسینه	۰/۳۴	پارسینه	۰/۵	پارسینه	۰/۷۹	پارسینه	۰/۵۹	پارسینه	۰/۶۲	پارسینه
۶	۰/۴۶	گاورود	۰/۴۱	گاورود	۰/۵۴	گاورود	۱	گاورود	۰/۴۹	گاورود	۰/۰۹	گاورود	۰/۴۴	گاورود	۰/۴۵	گاورود	۰/۳۹	گاورود	۰/۳۳	گاورود
۷	۰/۳۷	باوله	۰/۱۷	باوله	۰/۱۵	باوله	۰/۶۵	باوله	۰/۵۵	باوله	۰/۱۲	باوله	۰/۴۵	باوله	۰/۴۹	باوله	۰/۴۱	باوله	۰/۳۷	باوله
۳	۰/۵۳	سطر	۰/۴۶	سطر	۰/۳۷	سطر	۰/۶۲	سطر	۰/۵۶	سطر	۰/۶۱	سطر	۰/۷۴	سطر	۰/۶۳	سطر	۰/۵	سطر	۰/۲۵	سطر
۵	۰/۵۱	کیونانات	۰/۵۴	کیونانات	۰/۷۲	کیونانات	۰/۴۴	کیونانات	۰/۴۵	کیونانات	۰/۴۳	کیونانات	۰/۶۲	کیونانات	۰/۵۱	کیونانات	۰/۴۳	کیونانات	۰/۴۹	کیونانات
۲	۰/۵۴	سراب	۰/۶۹	سراب	۰/۵۹	سراب	۰/۳۴	سراب	۰/۶۳	سراب	۰/۳۶	سراب	۰/۴۸	سراب	۰/۵۴	سراب	۰/۶۳	سراب	۰/۶۱	سراب



ب) سطح بندی دهستان‌های مورد مطالعه بر اساس میزان برخورداری از پایداری اجتماعی با توجه به ضریب توسعه‌یافتگی محاسبه شده، دهستان‌های شهرستان سنقر بر اساس میزان برخورداری از پایداری اجتماعی در میان زنان روستایی خود، به سه سطح توسعه‌یافته (پایدار)، در حال توسعه (نیمه پایدار) و کمتر توسعه‌یافته (ناپایدار) طبقه‌بندی شده‌اند. جدول ۵ سطوح توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان سنقر را در زمینه پایداری اجتماعی زنان روستایی نشان داده است. در این رابطه بر اساس مدل موريس دهستان‌هایی که از ضریب توسعه‌یافتگی بیشتر از ۰/۶ برخوردار بوده‌اند جزء دهستان‌های توسعه‌یافته (پایدار) محسوب شده‌اند و دهستان‌هایی که ضریب برخورداری آن‌ها ۰/۶-۰/۴۵ بوده است در گروه دهستان‌های در حال توسعه (نیمه پایدار) قرار داشته‌اند و دهستان‌های با ضریب برخورداری کمتر از ۰/۴۵، دهستان‌های کمتر توسعه‌یافته (ناپایدار) بوده‌اند. بر اساس نتایج این جدول، هیچیک از دهستان‌های شهرستان سنقر از لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی زنان روستایی، پایدار محسوب نشده‌اند و فقط دهستان پارسینه با برخورداری از ضریب توسعه‌یافتگی ۰/۵۹ تا رسیدن به سطح پایداری اختلاف جزئی داشته است. به طور کلی زنان روستایی دهستان‌های پارسینه، سراب، سطر، آگاهان، کیوان و گاورد از لحاظ پایداری اجتماعی در سطح در حال توسعه (نیمه پایدار) قرار گرفته‌اند. زنان روستایی دهستان‌های باوله و آب‌باریک در سطح ناپایدار یا کمتر توسعه‌یافته تری از نظر پایداری اجتماعی در میان زنان روستایی شهرستان سنقر قرار داشته‌اند.

جدول ۵: سطوح توسعه‌یافتگی (پایداری) دهستان‌های شهرستان سنقر از نظر پایداری اجتماعی بر

اساس مدل موريس

دهستان	ضریب توسعه‌یافتگی	سطوح توسعه‌یافتگی
----	بیشتر از ۰/۶	توسعه‌یافته (پایدار)
پارسینه، سراب، سطر، آگاهان، کیوانات، گاورد	۰/۴۵-۰/۶	در حال توسعه (نیمه پایدار)
باوله، آب‌باریک	کمتر از ۰/۴۵	کمتر توسعه‌یافته (ناپایدار)

بحث و نتیجه گیری

لازمه مدیریت و برنامه ریزی فعالیت‌های توسعه روستایی به خصوص توسعه زنان روستایی با توجه به محرومیت این قشر عظیم مولد روستایی نیازمند مطالعات زیربنایی و توسعه‌ای است که واقعیت‌های جوامع روستایی را در قرن توسعه و برابری آشکار کند. اجرای پژوهش‌هایی از این دست اطلاعات زیربنایی و اساسی برنامه‌ریزی توسعه نواحی روستایی را فراهم کرده و دست برنامه‌ریزان در مدیریت پروژه‌های توسعه روستایی را باز خواهد گذاشت. یافته‌های پژوهش حاضر از چند بعد تأمل‌پذیر است که مهمترین و اصلی‌ترین آن نابرابری توسعه اجتماعی زنان روستایی در سطح شهرستان مورد مطالعه است. صرف نظر از تفاوت‌های طبیعی موجود در منطقه (Diversity) که می‌تواند به سهم خود در توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی اجتماعی زنان روستایی تأثیرگذار باشد، مطالعه شاخص‌های تدوین شده در خصوص پایداری اجتماعی زنان روستایی نشان دهنده اجرا نشدن برنامه‌های توسعه اجتماعی زنان روستایی منطقه است چرا که مفهوم توسعه و توسعه دادن در فعالیت‌های انسانی (که در شاخص‌های تدوین شده نهفته است) متبلور می‌شود نه در زیرساخت‌های طبیعی و برخورداری از مواهب طبیعی. لذا یافته‌های این پژوهش گرچه به سطح بندی دهستان‌های مورد مطالعه منجر شد، ولی در سطوح مختلف نیز تفاوت‌های آشکاری بین دهستان‌های هر سطح وجود دارد که در صورت عمیق شدن در تک تک شاخص‌ها ابعاد مختلف فقدان توسعه یافتگی مناطق بارزتر می‌شود. وجود نابرابری‌های درون منطقه‌ای یکی از دستاوردهای این پژوهش بود که لزوم پژوهش در خصوص سطوح پایداری اجتماعی بین منطقه‌ای و پرداختن به دلایل و چراها را ایجاب می‌کند.

بعد دیگر یافته‌های پژوهش حاضر نابرابری ابعاد مختلف توسعه اجتماعی زنان روستایی است که در قالب رویکرد اندام وار به آن‌ها اشاره شده است. همان‌طور که در یافته‌ها مشاهده می‌شود حتی یک دهستان وجود ندارد که حداقل در ۵۰ درصد این ابعاد در رتبه اول یا دوم قرار گرفته باشد تا بتوان آن را به عنوان الگوی دقیق توسعه اجتماعی زنان روستایی منطقه ارائه داد. گرچه بر اساس شاخص‌نهایی موریس می‌توان دهستان پارسینه را به عنوان الگو در نظر گرفت ولیکن چون شرط قبلی درباره آن صادق نیست در تمام ابعاد الگوی مناسبی نیست. این یافته بر این واقعیت اشاره دارد که هر یک از اندام‌های پیکره توسعه اجتماعی زنان روستایی به



سازمان یا ارگان خاصی سپرده شده که در بسیاری از موارد بدون هماهنگی و خارج از یک برنامه جامع توسعه با سایر ارگان‌ها و نهادهای متولی سایر اندام‌ها عمل کرده است و این نشان از نبود راهبرد توسعه روستایی به طور کلی و توسعه زنان روستایی به طور خاص است. گرچه دادن پیشنهاد در این خصوص برای کشوری مثل ایران که تقریباً تمامی الگوهای توسعه روستایی را آزمون و خطا کرده است بیشتر شعارگونه به نظر می‌رسد، ولیکن کاربست الگوی توسعه پایدار در قالب برنامه‌های استراتژیک منطقه‌ای لازم به نظر می‌رسد. به طور کل یافته‌های پژوهش نشان داد که به پایداری اجتماعی زنان روستایی به عنوان یک جنبه مهم توسعه پایدار، باید بیش از پیش توجه ویژه شود. نتایج نشان‌دهنده پایداری اجتماعی ضعیف زنان روستایی شهرستان سنقر بوده است. لذا ضمن لزوم توجه به دستاورد کلی پژوهش و توجه به شاخص‌های تدوین شده برای توسعه اجتماعی زنان روستایی برای بهبود وضعیت پایداری اجتماعی زنان روستایی موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

- در مراکز دهستان‌ها، کتابخانه برای استفاده زنان و مردان روستایی ایجاد شود، به ازای هر ۲۵۰ نفر زن روستایی (به ویژه در دهستان سطر)، خانه‌های بهداشت تأسیس شود. برای ارتقاء آگاهی زنان روستایی در زمینه تنظیم خانواده و بارداری صحیح و بهنگام، آموزش‌های تنظیم خانواده بیشتری به زنان روستایی ارائه داده شود. تعداد کارشناسان در زمینه بیماری‌های زنان در خانه‌های بهداشت در کلیه دهستان‌ها افزایش پیدا کند و پزشک متخصص زنان در مراکز بهداشت روستایی در دهستان‌ها استقرار یابد.

- پیشنهاد می‌شود تأسیس مدارس راهنمایی و دبیرستان (به ازای هر ۱۰۰ دختر روستایی به ویژه در دهستان‌های کیونانات و آگاهان) و برقراری و تداوم کلاس‌های نهضت سوادآموزی در روستاهای پرجمعیت توسط مسئولان و برنامه‌ریزان مربوط مدنظر قرار گیرد. زنان روستایی کارآفرین شناسایی شوند و در جهت معرفی آنها به جامعه زنان روستایی و حمایت از آنها در جهت تقویت روحیه کارآفرینی در میان زنان روستایی اقدام شود. از زنان کشاورز نمونه و ورزشکار و دیگر زنان نخبه روستایی تقدیر شود و این زنان به عنوان زنان روستایی فعال در زمینه اجتماعی مورد حمایت همه جانبه مسئولان قرار گیرند.

- از متغیرهای مبتنی بر استعدادها و شایستگی‌های فردی به جای متغیرهای مبتنی بر وابستگی‌های خانوادگی و طایفه‌ای در تعریف جایگاه اجتماعی زنان روستایی استفاده شود؛ که

این مهم با بهره گیری از برنامه‌های اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی و ساز و کارهای اجرایی که در آن زنان نقش محوری داشته باشند، دست یافتنی خواهد بود.

- با توجه به پایین بودن مشارکت اجتماعی زنان روستایی، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های توسعه روستایی نقش و جایگاهی برای مشارکت زنان در طراحی و اجرای این برنامه‌ها در نظر گرفته شود. تشکیل گروه‌ها یا کمیته‌ها و زیربخش‌های مربوط به زنان روستایی در اداراتی مانند جهادکشاورزی گام عملی و بنیادی در تحقق این پیشنهاد است. با توجه به پایین بودن آگاهی زنان روستایی جامعه پژوهش از حقوق خانواده و استفاده زیاد آنها از تلویزیون، آگاهی رسانی به زنان از طریق رسانه‌های محلی و استانی می‌تواند حرکت مؤثری در جهت افزایش آگاهی زنان روستایی در زمینه حقوق خانواده باشد.



منابع

الوانی، مهدی و مزگان ضرغامی فرد، (۱۳۸۰). «نقش زنان در توسعه»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۱۳.

بدری، علی، سعیدرضا اکبریان رونیزی و حسن جواهری، (۱۳۸۵). «تعیین سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان کامیاران». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، پاییز ۸۵، سال ۲۱، شماره ۳، (پیاپی ۸۲)، صص ۱۳۰۱۱۶.

بل، سیمون و استفان مورس، (۱۳۸۶). سنجش پایداری، ترجمه: ناصر شاهنوشی، سیاوش دهقانیان، یدا... آذرین فر، مشهد، نشر دانشگاه فردوسی مشهد.

رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۳). «تعیین و تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی استان زنجان»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، زمستان ۸۳، شماره ۵۰، صص ۸۶۷۵.

رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و محسن آقایی هیر، (۱۳۸۶). «سطح بندی پایداری توسعه روستایی، مطالعه موردی بخش هیر»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، پاییز ۸۶، شماره ۶۱.

سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی، (۱۳۷۷). روش‌های پژوهش در علوم رفتاری، تهران: آگه.

صفری شالی، رضا، (۱۳۸۷). «عوامل مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی، (مطالعه موردی زنان روستایی استان زنجان)»، مجله پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷، صص ۱۱۸۱۰۵.

لیون دال، آرتور، (۱۳۸۱). رهیافت‌های جامع، شاخص‌های توسعه پایداری، بدریچ مولدان سوزان بیلهارز، ژوهانسبورگ. ترجمه نشاط حداد تهرانی و ناصر محرم نژاد، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست، صص ۹۹۸۳.

مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵). قابل دسترس در سایت: www.sci.org.ir

نوری، سید هدایت اله و سیدرامین غفاری، (۱۳۸۵). «جایگاه زنان روستایی در فرایند توسعه پایدار: مطالعه موردی استان چهارمحال و بختیاری»، فصلنامه روستا و توسعه، سال نهم، شماره ۳، (پیاپی ۳۵)، پاییز ۸۵، ص ۲۱۸.

- Assefa, G & Frostell B, (2007). " Social sustainability and social acceptance in technology assessment: A case study of energy technologies", *Journal of Technology in Society*, 29 (2007) 63–78.
- Bossel, Hartmut, (1999). *Indicators for Sustainable Development; Theory, Method, Application*, IISD (International Institute for Sustainable Development).
- Osberg, Lars, (1992). " sustainable social development" joachim,spangenberg. Available at:
(<http://www.seri.de/documentupload/sustainabledevelopmentindicators.pdf>).
- Phillips, David & Berman, Yitzhak, (2008). *Social Cohesion and the Sustainable Welfare Society*, European Centre for Social Welfare Policy and Research, Vienna.